



نقش اعتقاد و باور راستین به تقدیر الهی/ تسلیم در برابر خدا روزی را افزایش می دهد

هر کسی که از جان و دل کاملاً تسلیم خداوند گردد و برای خود چیزی نمی خواهد، خواسته های خود را فراموش می کند و تنها به آنچه خداوند می خواهد توجه دارد و اگر انسان به این مرتبه رسید، از نگرانی ها به ویژه دغدغه روزی رها می گردد.

هر کسی که از جان و دل کاملاً تسلیم خداوند گردد و برای خود چیزی نمی خواهد، خواسته های خود را فراموش می کند و تنها به آنچه خداوند می خواهد توجه دارد و اگر انسان به این مرتبه رسید، از نگرانی ها به ویژه دغدغه روزی رها می گردد.

به گزارش خبرگزاری مهر، انسان با اعتقاد و با تقوا نگران روزی و معیشت خود نیست، چون خداوند متعال راههایی را فرا روی او قرار می دهد تا مشکلاتش را برطرف سازد و وقتی در تنگنا و بن بست قرار گرفت خداوند راه نجاتی برایش قرار می دهد و روزی اش را از راهی که گمان نمی برد می رساند. پیامبر(ص) ارتباط تقوا با روزی را بارها به ابوذر مطرح می کرد. انسان خواهان روزی حلال و پاکیزه و وسیع است، حال اگر پی ببرد که تقوا موجب گشایش و وسعت روزی می شود در او انگیزه ای برای کسب تقوا پدید می آید.

سوالی که مطرح می شود این است که مومن چقدر باید نگران روزی اش باشد، چقدر باید به فکر توسعه زندگی خویش باشد و فکر این باشد که روزی اش را چگونه و از چه راهی به دست آورد؟ شکی نیست که انسان در زندگی خود نیازهایی دارد که اگر برآورده نشوند ادامه زندگی برایش ممکن نیست. روزی از جمله چیزهایی است که ادامه زندگی بر آن توقف دارد، بالطبع کسی که به زندگی اش علاقه دارد نگران روزی اش نیز هست. روزی اختصاص به خوراک ندارد بلکه همه نعمت های مادی و معنوی که خداوند در این دنیا به انسان می دهد روزی است. پوشاک، خانه، همسر، استاد و علم نیز روزی هستند.

با این دید وسیع که ما روزی را در برگیرنده همه نعمت های مادی و معنوی می دانیم و نیز اطمینان داریم که هر کسی ناچار به کسب روزی است طبیعی است که هر کس باید نگران روزی اش باشد، اما میزان نگرانی افراد بسته به مراتب معرفت و ایمان آنهاست. یعنی همان طور که ایمان و معرفت افراد یکسان نیست نگرانی آنها نیز در یک حد نیست و هرچه بر ایمان و شناخت شان افزوده گردد از نگرانی شان کاسته می شود تا آنجا که به تعبیر برخی از بزرگان عده ای از اولیای خداوند به مرتبه ای از معرفت می رسند که اصلاً به فکر خود نیستند و مقام تسلیمی که در آیات قرآن ذکر شده ناظر به آن مرتبه است. خداوند می فرماید: نه چنین است قسم به خدای تو، اینان (منافقان) ایمان حقیقی نمی آورند، مگر آن که در خصومت و نزاعشان تنها تو را حاکم قرار می دهند و حکمی که (به سود و یا زیان آنها باشد) کسی اعتراضی در دل به آن نداشته باشند و از دل و جان کاملاً تسلیم خداوند می گردد و برای خود چیزی نمی خواهد، خواسته های خود را فراموش می کند و تنها به آنچه خداوند می خواهد توجه دارد و اگر انسان به این مرتبه رسید، از نگرانی ها رها می گردد و امر بر او آسان می شود.

خداوند متعال به حضرت داود وحی کرد که ای داود تو چیزی می خواهی و اراده می کنی و من نیز چیزی می خواهم و آنچه من می خواهم واقع می شود، پس اگر در برابر خواست من تسلیم گشتی به آنچه می خواهی می رسی و اگر در برابر خواست من تسلیم نشدی در رسیدن به آنچه می خواهی تو را به رنج می اندازم و سپس واقع نمی شود مگر آنچه من می خواهم.

برخی در مقام تسلیم را بالاتر از مقام رضا می دانند چون معتقدند در مقام رضا انسان آنچه را خداوند انجام می دهد موافق خواست خود می یابد، بنابراین به طبع خود نظر دارد. اما در مقام تسلیم طبع و آنچه را مخالف و یا موافق آن است به خداوند وا می نهد و نیز آن را فوق مرتبه توکل می داند، چرا که توکل عبارت است از اعتماد بر خداوند در امور زندگی و خداوند را به عنوان وکیل خود برگزیدن، بنابراین بنده هنوز به خودش تعلق دارد. ولی مرتبه تسلیم از همه امور مربوط به خویش دست می کشد و همه را به خداوند وا می گذارد. خداوند در دعوت مومنان به مقام تسلیم می فرماید: این اهل ایمان همه در برابر خداوند متعال تسلیم گردید و از وسوسه های شیطان پیروی نکنید، همانا او دشمن آشکار شماست.

مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه می فرماید: کلمات (سلم) (اسلام) و (تسلیم) هر سه به یک معناست و کمله (کافه) مانند کمله (جمیعاً) تاکید را افاده می کند و چون در آیه خطاب به مومنان است و آنان مامور شده اند که داخل در سلم شوند، پس در نتیجه امر در آیه مربوط به همگی و به یک یک افراد جامعه است. پس هم بر یک یک افراد واجب است و هم بر جمیع که در دین خداوند چون و چرا نکنند و تسلیم امر خداوند و رسول او گردند. همچنین از آنجا که خطاب به مومنان شده آن سلمی که مومنان به آن دعوت شده اند به معنای تسلیم گشتن در برابر خداوند و رسول اوست. پس سلمی که بدان دعوت شده اند عبارت است از

تسلیم شدن در برابر خداوند پس از ایمان به او.

بنابراین بر مومنان واجب است تسلیم خداوند شوند برای خود صلاحدید و استیاد در رای قائل نباشند و به غیر آن طریقی که خداوند و رسول او بیان کرده اند، طریق دیگری بر نگزینند که هیچ قومی هلاک نشد مگر به جهت اینکه راه خداوند را رها کرد، راه هوای نفس را پیمود؛ راهی که هیچ دلیلی از ناحیه خداوند و آن نداشتند. آری کسانی که به مقام تسلیم دست یافته اند از خود خواسته ای ندارند و خواسته آنان خواسته خداوند است. دیگر در این فکر نیستند که روزی شان چگونه و از چه راهی تامین می گردد. آنها در این اندیشه اند که چگونه خداوند را بندگی کنند که بیشتر راضی گردد. مسلماً این گروه به نجات و سعادت می رسند. امام صادق(ع) فرمودند: کسی که به ریسمان محکم الهی چنگ زند نجات یافته است. وقتی از معصوم سوال شد چنگ زدن به ریسمان محکم الهی به چه معناست: فرمودند: آن تسلیم در برابر خداوند است.